

متن پرسش

سلام استاد عزیز: امیدوارم در ایام ماه رجب بهترین برکات نصیب شما و همه ما بشود. استاد این مطلب من بیشتر دل‌نوشته است و البته جهت راهنمایی از حضورتون می‌نویسم. راستش در فضای دانشگاهی و در بین اساتیدی هستم که بسیار به لحاظ تحصیلی موفق‌اند. یعنی اکثراً لینک خارج از کشور دارند و آمارهای پژوهشی قوی می‌کنند. اما... متأسفانه نگاهشون به غرب هست، غرب واقعا الگوی و قلهٔ آمال پیشرفت برای اینهاست و چیزی که خیلی قابل توجه هست ناامیدی عجیبی حاکم بر اغلب جماعت تحصیلکرده هست. در بین مردم عادی هم این ناامیدی‌های معیشتی هست ولی در قشر دانشگاهی بیشتر هم به چشم می‌خورد علاوه بر ناامیدی‌های اقتصادی، ناامیدی از توانستن، ناامیدی از آینده علمی، شخصاً دوست داشتم اگر ممکن بود از تمام گروه‌های تعاملی با ایشان خارج بشوم اما واقعا این راه حل نیست. فرار هست بسیار سکوت می‌کنم چون بحث و بگو مگو را مؤثر نمی‌بینم اما گاه در برابر حرف‌های عجیب ایشان دیگر نمی‌توان ساکت بود. در مواردی سعی به ایجاد سوال از گفته خودشون و تناقض گفته هاشون می‌کنم. مثلاً این‌که بگویند: نتانیاهو اسکندری هست که برای ایران نجات می‌آورد و آرزوی جنگ برای نابودی نظام... یا ما طبق پیش‌بینی‌ها از ابر تورم نابود می‌شیم. استاد حقیقتاً قلب آدم درد می‌آید. استاد من با تمام وجود به حرف رهبری و آینده روشن ایران یقین دارم. مطمئنم تنها راه، همان هست و یقیناً خدا حاکم بر سرنوشت مردم ایران هست. فقط نمی‌دانم در تعامل با این همکاران و دوستان از این طبقه تحصیلکرده و ناامید، چه طور باید رفتار کرد؟ چون همکاران، دوستان دانشگاهی، حتی زیادی از دوستان دیندار نیز... تقریباً اینگونه می‌اندیشند واقعاً پیامبری حضرت رسول سخت‌ترین نوع بوده چون از نوع گفتار و تعامل با خلق بوده. باور کنید تعامل با افراد خارج از کشور غیر ایرانی بسیار آسان‌تر برای من بوده هست شنواتر با پذیرش واقعی‌تر. در عین حال همیشه از این گفتگوها و تعامل‌ها گریخت. فکر کنید با این یاس عظیم اینها چطور از آینده روشن صحبت باید گفت؟ وقتی تمام مشکلات‌شون را روحانیت و دین میدونن و البته گوشه‌ای برای شنیدن ندارند در بین اینها افرادی به چشم می‌خورند که قبلاً به صورت جدی دیندار بوده (مثلاً سال‌ها شاگرد استاد علامه حسن زاده) و اکنون ضد دین شدند. استاد چقدر شرایط پیچیده هست و چقدر در تعامل احساس ضعف دارم. استاد راهنمایی و دعا بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این‌جا است که متوجه سخن هایدگر می‌شویم که معتقد است هر اندازه

انسان به غرب نزدیک شود، به همان اندازه نیهیلیسم و نیست‌انگاری به سراغ انسان می‌آید. نکته مهم آن است که متوجه باشیم قضیه اصلی چیست. دیگر مهم نیست که در مقابل نظام اسلامی گارد بگیرند مانند آن‌هایی که می‌فرمایید. یا با خودشان درگیر شوند، مانند آن‌هایی که در غرب، نمی‌دانند با چه کسی درگیر شوند مگر با خودشان.

روش ما نشان‌دادن سیره‌ای است که آن‌ها به نحوی از درون خود متذکر شوند راه دیگری هم هست و در این راستا محبت و ایثار باید به میان آید تا متوجه شوند نوع دیگری از زندگی هم ممکن است. اتفاقاً آن آقای که سؤال شماره ۴۰۹۸۲ و ۴۰۹۶۸ را مطرح فرموده‌اند در آلمان زندگی می‌کنند و همان‌طور که می‌فرمایید آن‌ها بهتر متوجه جایگاه آینده انقلاب اسلامی شده‌اند و بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب در پیام خود به انجمن‌های اسلامی اروپا بر این نکته تأکید می‌فرمایند که پرچمی که انقلاب اسلامی برافراشته است، پرچمی است که خداوند به میان آمده است و فرمودند خدا با شما و پیروزی کامل در انتظار شما است. و حقیقتاً قضیه چنین است زیرا جبهه مقابل انقلاب اسلامی تماماً گرفتار بی‌ثمری و پوچی است و مهم، درک تاریخی رخداد انقلاب اسلامی است و جبهه‌ای که مقابل استکبار گشوده. مطمئن باشید هم اکنون جوانان فداکار و پاک‌باخته بسیار و بسیار زیادی داریم که در حراست و حفظ انقلاب و مقابله با دشمنان این مرز و بوم، با تمام وجود آماده‌اند. بیچاره آن‌هایی که امید به دشمن دارند تا دشمنان، سرنوشت آن‌ها را تعیین کنند. موفق باشید